

وزیر کار خبر داد:

پیش بینی تسهیلات کمک معیشتی برای مردم و صنوف



وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از تدوین بسته اعطای تسهیلات بانکی برای کمک به معیشت مردم و کسب و کارهایی که در آمدشان در شرایط جنگی کاهش یافته خبر داد.

به گزارش اقتصادسرآمد، احمد میدری به تشریح روند خدمت رسانی این وزارتخانه و اقدامات صورت گرفته پرداخت و اظهار کرد: روال عادی خدمات رسانی در کلیه دستگاهها در جریان است و کالابرگ یکی از امورات وزارت کار است. این بار میوه و تره بار را به کالابرگ اضافه کردیم که همان اقلام قبلی به اضافه میوه و تره بار است.

وی افزود: بررسی هایی در چند روز اخیر داشتیم و تصمیم گرفتیم مشابه کاری که در شرایط کرونا صورت دادیم و تسهیلاتی را برای همه یارانه بگیران را نظر گرفتیم دنبال کنیم. من با وزیر اقتصاد صحبت کردم تا طرحی را آماده کنیم که در زمان جنگ یا شرایط بحرانی از کسانی که درآمد مستمر ندارند مثل رانندگان تاکسی، برخی فروشنده‌گان و اصناف مثل تعمیر گاه‌ها که در آمدشان کاهش یافته حمایت و این تسهیلات در اختیارشان قرار داده شود. میدری تصریح کرد: امیدواریم تا اوایل هفته آینده بتوانیم مجوز این طرح را از سران قوا بگیریم. دولت اختیارات را به کار گروها داده است. این طرح، اعطای تسهیلات بانکی برای کمک معیشتی مردم است و هنوز جزئیات آن نهایی نشده و در حال بررسی است.

وزیر کار ادامه داد: در حوزه شرکته‌ا، خوشبختانه تولیدات با همان قیمت به بازار عرضه می شوند و کسانی که در عرصه پتروشیمی هستند عرضه آنها در بورس کالا به همان شکل و قیمت‌های سابق ادامه دارد و تا پایان جنگ هم تغییری در قیمت‌ها رخ نمی دهد.

وی افزود: در حوزه صنایع شیر که از شرکتهای مهم است، شرکتهای تابعه، تولیدات دامداران را خریداری کردند. اگر کارخانه‌های کوچک در خرید شیر دامداری‌ها مشکل دارند آنها شیر را خریداری می کنند. در حوزه درمان نیز بیمارستانها عمل های جراحی که می توانند به عقب بینانازند را کاهش دادند و کادر درمانی در بیمارستانهای تامین اجتماعی به صورت تمام وقت در حال کار هستند و مجروحان جنگی را درمان می کنند.

وزیر کار اضافه کرد: در زمینه عیدی بازنشستگان، خوشبختانه عیدی بازنشستگان پرداخت شد، ولی پرداخت این اعتبار منابع زیادی نیاز داشت و دولت و وزارت نفت و وزارت اقتصاد کمک کردند از محل اعتبارات بانک مرکزی پرداخت شود.

میدری در بخش دیگری از اظهارات خود به شرایط جنگی حاضر اشاره کرد و گفت: در جنگ ویتنام، آفریقا و .. آنچه رفتار این کشورها را تغییر داد، ایستادگی خود مردم بود ولی در کنار آن جریانات دانشگاهی، روشنفکری و مردمی این کشورها هم اثرگذار بوده است. وزیر سابق کار آمریکا نامه ای در گاردین منتشر کرد و نوشت که ترامپ تهدیدی علیه تمدن بشری است و مشی ترامپ تمدن انسان را در جهان به خطر انداخته است لذا باید از این ظرفیت در جهت شما گیری حرکت‌های مردمی در این کشورها استفاده شود. همچنان که رهبر شهید انقلاب هم در فرمایشات خود به جوانان آمریکایی اعلام کردند که شما در سمت درست تاریخ ایستاده اید. میدری افزود: در حال حاضر بسیاری از کشورها از جمله گرینلند و غزه درگیر جنگ هستند و ما از سازمان جهانی کار درخواست کردیم وقتی جنگی رخ می دهد نظاره گر نباشد و از ظرفیت های خود استفاده و از گسترش جنگ جلوگیری کند.

وزیر کار با حضور در یک برنامه تلویزیونی تصریح کرد: «سازمان جهانی کار هم مسئولیت خود را پذیرفت و اعلام کرد که در این باره قطعنامه صادر می کند و باید از مجرای گروهی که در آن عضو هستیم این موضوع را انتقال بدهیم. وی گفت: کاری که تشکل های کار گری ما در این زمینه انجام دادند این بود که به اتحادیه بین المللی کارگران جهان نامه نوشتند و اعلام کردند که جنگی ظالمانه علیه ما رخ داده که با هیچکدام از معادلات بین المللی سازمان جهانی کار همخوانی ندارد و باید در این زمینه نقش آفرین باشند.

گروه راهبردی – در سال‌های اخیر، منطقه خاورمیانه با تبدیل شدن به محور اصلی تنش‌های جهانی، شاهد تحولاتی بوده است که نه‌تنها تعادل قدرت را متحول کرده، بلکه مفاهیم سنتنی جنگ و دفاع را نیز رعایت نکرده است. ایران، با حفظ سیاست خارجی مبتنی بر استقلال و مقاومت، در برابر تهدیدات پیاپی از سوی مجمعی از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، رویکردی را اتخاذ کرده که از اصول اخلاقی و اسلامی تغذیه می‌کند و در عین حال با دقت استراتژیک و توانمندی نظامی به عمل می‌پیوندد. این رویکرد، که با عبارت «مقابله به مثل» خلاصه می‌شود، نه تنها نشان‌دهنده احترام به قوانین جهانی انسانیت است، بلکه ابزاری هوشمندانه برای جلوگیری از تنش و حفظ پایداری منطقه به‌شمار می‌آید. در این چارچوب، دفاع از سیادت ملی و حفظ امنیت ملی، بدون تکیه بر تسلیحات ناهمگن یا تهدیدات غیرمنطقی، به عنوان اولویت اول سیاست خارجی و دفاعی کشور شناخته می‌شود.

در مورد زیرساخت‌های حیاتی مانند نفت و انرژی، ایران با شناخت کامل از تأثیرات زنجیره‌ای تخریب آن‌ها، از یک سو به عسوان هدفی برای تهدیدات غیرمستقیم شناخته می‌شود و از سسوی دیگر، از طریق توانمندی‌های دفاعی و اطلاعاتی، از این اهداف به عنوان اهرمی برای تثبیت تعادل استراتژیک استفاده می‌کند. تجربه‌های اخیر نشان می‌دهد که هرگونه حمله به این زیرساخت‌ها، علاوه بر آسیب مستقیم به ایران، منجر به نوسانات شدید در بازارهای جهانی انرژی و تحركات سیاسی گسترده در سطح منطقه می‌شود. این واقعیت، ابعاد تاکتیکی و استراتژیک مقابله را به یک مسئله‌ترکیبی از تسوان نظامی، هوش اطلاعاتی و دیپلماسی اقتصادی تبدیل کرده است. در این شرایط، مفهوم «جنگ اخلاقی» نه به معنای کاهش توان دفاعی، بلکه به عنوان انتخاب آگاهانه برای جلوگیری از جنگ گسترده و حفظ امنیت ملی در طولانی مدت، به رسمیت شناخته می‌شود.

اصل «مقابله به مثل» در دکترین دفاعی ایران

اصل «مقابله به مثل» در دکترین دفاعی ایران، بیش از یک سیاست عملیاتی، یک چارچوب فلسفی و اخلاقی است که ریشه در ارزش‌های اسلامی و تجربه‌های تاریخی منطقه دارد و در عین سادگی، عمق استراتژیکی بسیاری را به همراه می‌آورد. این اصل، که در فقه سیاسی اسلامی و نظریه‌های جنگ غیرمتعادل نیز جایگاه ویژه‌ای دارد، بر این پیش‌فرض استوار است که هر تهدید یا حمله‌ای، باید با میزان و نوع و تأثیر معادلی پاسخ داده شود؛ نه بیش‌از حد، تا از تنش جنگی جلوگیری شود، و نه کم‌تر، تا از افت کارایی دفاعی و تقویت شکست‌پذیری جلوگیری گردد. این رویکرد، در برابر دشمنی که برتری تکنولوژیکی، اقتصادی و نظامی را به عنوان ابزار اصلی فشار می‌آورد، به عنوان یک استراتژی مقاومت هوشمندانه عمل می‌کند: دشمن را مجبور می‌سازد تا هزینه‌های بالای تخریب را در برابر پاسخ‌های دقیق، سریع و تأثیرگذار بپردازد، در حالی که ایران با حفظ اصول انسانیت، از اتکا به تسلیحات غیرمتعادل یا تهدیدات ناپایدار خودداری می‌کند. این چارچوب، نه تنها از نظر داخلی اعتماد مردم را جلب می‌کند، بلکه از نظر بین‌المللی، جایگاه اخلاقی و قانونی ایران را در بحث‌های جهانی درباره حقوق بشر و امنیت ملی تقویت می‌بخشد.

تجربه‌های اخیر در خاورمیانه، به‌ویژه در سال‌های اخیر، اثربخشی این اصل را در عمل نشان داده است؛ جایی که ایران با توانمندی‌های دفاعی ترکیبی از جمله سیستم‌های موشکی، دفاع هوایی، و عملیات‌های اطلاعاتی، پاسخ‌هایی را ارائه داده که هم از نظر تکنولوژیکی دقیق بوده و هم از نظر سیاسی و اخلاقی متناسب با تهدید اولیه. این رویکرد، در برابر تهدیدات هسته‌ای، تروریستی و غیرمتعادل، از یک سو، از تبدیل منطقه به صحنه جنگ گسترده جلوگیری کرده و از سوی دیگر، از افت کارایی دفاعی و از دست دادن اعتبار استراتژیک جلوگیری



می‌کند. این استراتژی، با تأکید بر «پاسخ متناسب» به جای «پاسخ مطلق»، امکان حفظ تعادل استراتژیک را در شرایطی فراهم می‌آورد که توانایی تسلیحاتی دشمن از نظر عددی و کیفی بسیار بالاتر است. در واقع، این اصل، تبدیل به یک ابزار هوشمند مقاومت شده است که با ترکیب دانش نظامی، هوش اطلاعاتی و توانمندی دیپلماسی امنیتی، امکان حفظ سیادت ملی را در محیطی پر از تنش فراهم می‌سازد.

حفاظت از زیرساخت‌های انرژی

حفاظت از زیرساخت‌های انرژی ایران، نه تنها یک اولویت امنیتی، بلکه یک استراتژی ترکیبی از دفاع، اقتصاد و دیپلماسی است که در آن تهدید به تخریب، به خودی خود، اهرمی برای تثبیت تعادل منطقه‌ای تبدیل می‌شود. این زیرساخت‌ها از نفت‌کش‌ها و پالایشگاه‌ها تا پایگاه‌های تولید برق و شبکه‌های انتقال گاز، به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران، نه تنها برای خود کشور، بلکه برای اقتصاد جهانی نیز حیاتی هستند؛ بنابراین، هرگونه حمله به آن‌ها، علاوه بر آسیب مستقیم به ایران، اثرات زنجیره‌ای ناپایداری در بازارهای انرژی جهانی به همراه دارد. ایران با شناخت این واقعیت، به جای تکیه بر دفاع سنتی و متمرکز، به سمت سیستم‌های دفاعی پراکنده، دینامیک و هوشمند روی آورد که در آن، تخریب یک بخش، به تخریب کل سیستم منجر نمی‌شود و در عین حال، امکان پاسخ سریع و تأثیرگذار در عمق دشمن فراهم می‌گردد. این رویکرد، نه تنها از نظر فنی پیچیدگی را به یک مزیت تبدیل می‌کند، بلکه از نظر روان‌شناختی و سیاسی، پیامی قوی به دشمن درباره هزینه‌های غیرقابل قبول تخریب ارسال می‌کند.

تجربه‌های اخیر نشان می‌دهد که تهدید به تخریب زیرساخت‌های انرژی، به‌ویژه در خلیج فارس و دریای عمان، به ابزاری برای تثبیت تعادل و جلوگیری از تنش تبدیل شده است؛ جایی که اسرائیل و برخی کشورهای منطقه‌ای، با آگاهی از تأثیرات تخریب نفت‌کش‌ها یا پالایشگاه‌ها بر قیمت جهانی نفت و تحركات ناوگان‌های تجاری، از اقدامات تهاجمی خود دست کشیده‌اند. ایران با توسعه

سیستم‌های دفاع هوایی ترکیبی، توانمندی‌های الکترونیکی و عملیات‌های اطلاعاتی، نه‌تنها از امنیت فیزیکی این زیرساخت‌ها اطمینان حاصل کرده، بلکه با ایجاد ترس تخریب معکوس یعنی توانایی تخریب زیرساخت‌های دشمن، از آن‌ها به عنوان اهرمی در تثبیت تعادل استراتژیک استفاده کرده است. این رویکرد، که از ترکیب توان نظامی، هوش اطلاعاتی و دانشش تکنولوژیکی بهره می‌برد، امکان حفظ سیادت ملی را در محیطی پر از تنش فراهم می‌سازد و در عین حال، از تبدیل انرژی به ابزار فشار غیرمنطقی جلوگیری می‌کند. در واقع، امنیت انرژی، اکنون نه تنها به عنوان یک مسئله اقتصادی، بلکه به عنوان یک ابزار دیپلماسی امنیتی در دیپلماسی منطقه‌ای شناخته می‌شود.

جنگ غیرمتعادل و جنگ اخلاقی

جنگ غیرمتعادل و جنگ اخلاقی، دو مفهومی هستند که در شرایط تهدیدهای ناهمگن و تسلیحاتی نامتعادل، به‌عنوان راهکاری هوشمندانه برای حفظ سیادت ملی و امنیت ملی در ایران مطرح شده‌اند. جنگ غیرمتعادل یا Asymmetric warfare، به مواجهه نیروهایی با توانایی‌های تکنولوژیکی و نظامی بسیار متفاوت اشاره دارد؛ جایی که پاسخ به روش‌های سنتنی و متعادل، به دلیل هزینه‌های بالا و ریسک‌های غیرقابل قبول، امکان‌پذیر نیست. در این شرایط، ایران با تکیه بر توانمندی‌هایی مانند موشک‌های بالستیک، جنگ الکترونیکی، عملیات‌های سایبری و نیروهای نیمه‌نظامی، از یک سو از تسلیحات ناهمگن دشمن جلوگیری می‌کند و از سسوی دیگر، هزینه‌های تخریب را به‌گونه‌ای بالا می‌برد که برای دشمن، از لحاظ سیاسی و اقتصادی غیرقابل توجیه شود. این رویکرد، نه تنها از نظر فنی کارآمد است، بلکه از نظر اخلاقی نیز با اصول اسلامی

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

جنگ غیر متعادل و جنگ اخلاقی!

تداوم تخریب زیر ساخت های انرژی کشور

که بر جلوگیری از فوت غیر محتاجان و حفظ امنیت مدنی تأکید دارند هماهنگی کامل دارد.

جنگ اخلاقی، از سسوی دیگر، به معنای انجام عملیات نظامی با رعایت اصول انسانیت، حتی در شرایطی که دشمن از این اصول سرپیچی می‌کند، است. این مفهوم، که در فقه سیاسی اسلامی و سنت‌های جنگی ایران ریشه دارد، بر این باور استوار است که پیروزی در جنگ، نه تنها با تسلیحات، بلکه با حفظ اعتبار اخلاقی و قانونی در نگاه جامعه بین‌المللی به دست می‌آید. ایران در برابر تهدیدات هسته‌ای، تروریستی و غیرمتعادل، هرگز به تسلیحات ناهمگن یا تهدیدات جمعی نیرداخته، بلکه با تمرکز بر پاسخ‌های دقیق، محدود و متناسب، از اتکا به ترس‌سازی و تهدیدات غیرمنطقی خودداری کرده است.

تهدید تخریب زیرساخت‌های انرژی

تهدید تخریب زیرساخت‌های انرژی، به‌ویژه در منطقه‌ای مانند خاورمیانه که ایران نقش محوری در آن دارد، نه تنها محدود به آسیب‌رسانی فیزیکی به نیروگاه‌ها، خطوط انتقال یا مراکز توزیع است، بلکه اثرات تجربیی غیرمستقیم و پیچیده‌ای را به دنبال دارد که می‌تواند به‌سرعت از سطح ملی به بحران جهانی تبدیل شود. این اثرات، علاوه بر اختلال در تأمین انرژی داخلی، شامل مختل شدن زنجیره تأمین جهانی، نوسانات شدید قیمت نفت و گاز، تحریک تورم سطح جهانی و تشدید بحران‌های انسانی در کشورهای وابسته به واردات انرژی است. در صورت وقوع حمله موفق به زیرساخت‌های حیاتی انرژی، ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و نقش آن در انتقال انرژی به اروپا و آسیای مرکزی، می‌تواند به عاملی تحریک‌کننده برای بحران‌های زنجیره‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شود؛ جایی که تحریک یک زنجیره واکنش‌های تضادی، از تحریم‌های جدید تا تغییرات ساختاری در سیستم‌های امنیتی جهانی، احتمال‌پذیر است. این سناریو، به‌ویژه در شرایطی که حمله به زیرساخت‌های انرژی به‌صورت سایبری یا با استفاده از نیروهای غیرنظامی انجام شود، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و نیازمند پاسخی ترکیبی از دفاع فیزیکی، دیپلماسی اقتصادی و توانمندی‌های الکترونیکی است.

در این مسیر، تشدید بحران جهانی از طریق مکانیسم‌هایی مانند قطعی موقت انتقال گاز به کشورهای همسایه، اختلال در بازارهای انسرژی و تحریک تحریم‌های گروهی علیه ایران اتفاق می‌افتد؛ جایی که ایران، با تکیه بر توانمندی‌های داخلی در حوزه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، ذخایر استراتژیک نفت و گاز و شبکه‌های انتقال هوشمند، می‌تواند از یک سو از تأثیرات فوری حمله‌پذیر است. این سناریو، به‌ویژه در شرایطی که حمله به زیرساخت‌های جدید، اثرات بلندمدت را کاهش دهد، این رویکرد، که بر اساس اصل «مقاومت اقتصادی در برابر فشارهای انرژی» استوار است، نه‌تنها امنیت داخلی را تقویت می‌کند، بلکه از نظر استراتژیک، امکان تبدیل تهدید به فرصت را فراهم می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که ایران بتواند در شرایط بحران، خود را به یک مرجع تأمین پایدار و قابل اعتماد در منطقه تبدیل کند. این استراتژی، در عین ایجاد اطمینان برای همکاران، از دشمنان احتمالی در برابر استفاده از انرژی به‌عنوان ابزار فشار غیرمتعادل بازدارد.

نتیجه گیری اخلاقی و استراتژیک

امنیت ملی تنها از طریق ترکیبی ناب‌العمل از قدرت سخت، نرم و اقتصادی قابل‌دستیابی بوده و هرگز از انزوا یا تک‌جانبه‌گری سرچشمه می‌گیرد؛ در این رویکرد، اخلاق به‌عنوان راهنمای عمل، نه تنها مانع تجاوز و تشدید تنش‌ها می‌شود، بلکه با تثبیت اعتماد و ایجاد تعادل منافع، ابزاری کارآمد برای پیشگیری از بحران‌ها محسوب می‌گردد. استراتژی ایران، بر اساس اصول اسلامی درباره حفظ جان مسلمانان، جلوگیری از فساد و ترویج عدالت، طراحی شده تا از تکنولوژی و توانمندی‌های داخلی به‌عنوان سرچشمه اصلی امنیت استفاده کند و در عین حال، از ایجاد وابستگی‌های ساختاری خارجی جلوگیری نماید؛ این رویکرد، که بر «مقاومت پویا» و «تعادل استراتژیک» استوار است، امکان حفظ سیادت ملی را در برابر فشارهای چندجانبه از تحریم‌ها تا تهدیدات سایبری و هوایی فراهم می‌سازد. در این مسیر، اخلاق نه‌تنها محدودیت اعمال می‌کند، بلکه از طریق ایجاد اعتماد و احترام بین‌المللی، قدرت نرم را تقویت کرده و از تکیه بر تهدید و ترس کاهش می‌یابد؛ بنابراین، امنیت ملی در ایران، نه به‌عنوان هدفی مطلق، بلکه به‌عنوان ابزاری برای حفظ ارزش‌های انسانی، عدالت و استقلال تعریف می‌شود.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی - اقتصاد سرآمد